

## فضاي مجازي، انطباق با واقعيت!

اعظم راودراد

امروزه فضای مجازی به میزانی گســـتر ش تهاست که می تواند کاملامطابقت با دنیای

واقعی داشته باشد. یعنی شما هر چیزی را که

ر کی در دنیای حقیقی و عینی مشاهده می کنید، مابهازایسی از آن را در فضای مجازی می یابید؛ بهطوری که تمام یا بیشـــتر مولفُهها و عناصر جهان واقعی را داراســت. بنابراین همانطور که یک فردمی توانسد در دنیای واقعی زندگی که یک فردمی توانسد در دنیای مجازی زندگی کند و کند، می تواند در دنیای مجازی زندگی کند و كمترين ارتباط رابا دنياى واقعى داشته باشد گرچهٔ این دوفضابایکدیگر رابطه متقابل دارند و این طور نیست که صرفا بتوانید یکی از آنها را برای زندگی انتخاب کنید؛ اما با قطعیت ر برای رضایی است. می توان لقب «دنیا» را به فضای مجازی داد. به طور عام اگــ ر بخواهیم در مــورد هنر در بیشبردصلحونوعدوستیسخنبرانیم،بهحق می توانیم موار دومصادیق زیادی را برای هنر و نقش آن در جامعه بشماریم، گروههای تئاتر، موسیقی، سیرک، نقاشی و بسیاری موارد دیگر که هنرشان را در یک جامعه یا در جوامع ختلُف به نمایش می گذارند؛ این کار موجَ می شود، مردم دنیا با فرهنگ و هنریک کشور آشنا شُوند. حال همین کار را عُدهای در فضای مجازی انجام میدهند؛ به اشتراک گذاشتن آثار شــان در اینترنت بر خلاف دنیای واقعی تعدادشان به میلیونٔ ها نفر برسد. کما این که فضای مجازی، محدودیتهای دنیای واقعی را نیز نخواهد داشت. بهطور مثال، دسترسی مخاطبان به هنرمندان و آثار هنریشــان با سرعت بیشتری صورت می پذیرد؛ گستره آن و حجم بازدیدها و بازدیدکنندگان می تواند صدها برابر مخاطبانی باشد که از همان آثار در دنیای واقعی استقبال می کنند. نتیج متقابل مردم جهان از فرهنگ و هنر خودشان و همچنین افراد دیگر در سایر نقاط جهان ست؛ و این شــناخت در مدت زمان طولانی، می تواند آنقدر پر اهمیت باشد که در دنیای خارجی و عینــی که افراد، با یکدیگر ناآشــنا وغریبه هستند (و این غریبهبودن می تواند موجب سرزدن هر نوع رفت ار خصمانهای میان آنها شود) در فضای مجازی، تبدیل به سین هایی می شوند که به خوبی با فرهنگ و عرف یکدیگر آشنا هستند و چنین رابطهای رحینی رسد اجازه شکل گیری رفتارهای خصمانه را به آنها نمی دهد. منظور از آشنایی، شناخت تک به تک افرادنیست؛ بلکه شناختی هویتی از یک سرزمین، عرف و فرهنگ مردمانش اس چنین از تباطی، افراد حاضر در دنیای مجازی چین ریبنی اربایی افزاد عصور در تعینی سجری را در کنار یکدیگر قــرار میدهد؛ بهطوری که همگی در کنار هــم؛ جامعه جهانی مجازی را شکل می دهند و همه آنها با یکدیگر همسایه ستند. این همسایگی میتواند موجب نسترش فهم متقابل از یکدیگر شود؛ به نحوی که ارتباط بهتری میانشان شکل می گیرد. این شناخت و ارتباط می تواند در سایر ابعاد جوامع صورت بگیرد؛ از جمله فرهنگ، اقتصاد و ... اما صورت بدیره از بست مرحد می از هبیان»، می تواند هنر به علت شکل خاصی از هبیان»، می تواند اثر مضاعفی را داشته باشد. دلیل این امر آن است که هنر به غیرازا اثرات مستقیمی که سایر پدیدهها به صرف در گیر کردن قوه عقل واجد

اگــرُ بخواهم مثالــی بزنم، عکــس کودک آفریقایی را همه شما دیدهاید که از گرسنگی ر سیار و تشنگی درحال احتضار است و پشت سر او، یک لاشخور روی زمین نشست و فظاره گر چنین صحنهای است تا در اولین فرصت او را

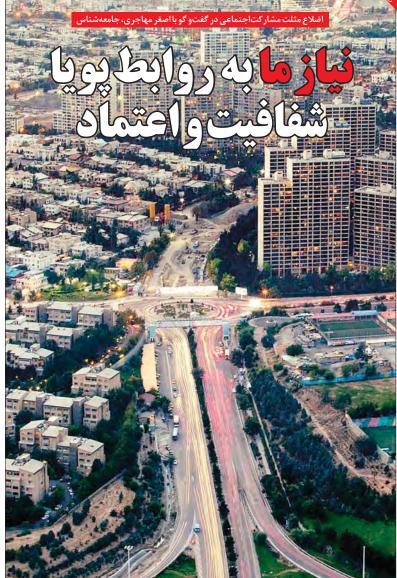
آن هستند، اثر غیرمستقیمی راهم دارد که به موجب در گیر کردن احساسات، بروز می بابد.

لذا مقاومتی را که انسان ها در مقابل قوه عقل می کنند، در رابطه با هنر، کُمتر مشاهد

ر زمانی که عکاس، این عکـس را گرفته بود، هنوز فضای مجازی به این میزان کنونی، رشد و گســترش نیافته بود. اما امروزه بســیاری از مردم این عکس را در فضای مَجَازی دیدهاند و باآن کودک و افراد مشابه او و کودکان آفریقایی عساسهمدر دىمى كنندوهمين امرمى تواند ه صورت غیر مستقیم به صلح و آرامش کمک ئالدىگرىدرموردھنر پرفُورُمنس ياھنر احرا وحود دار د. بعـــداز حمله آمر بکا به عراق و هویداشدن آثار مخرب آن، یک هنرمند عراقی، بازی رایانــهای را طراحی کرده بــود که مردم ی توانستنداز سراسر جهان در آنبازی شرکت! ننند. نام بازی این بود: «بهعراقی شلیک کن!» او خودش را به مدت یکماه در خانهاش زندانی رده بود و تفنگهایی با گلوله های پلاس رنگی , اطــوری در خانهاش تعبیــه کرده بود كُه مخاطبانُ مَى توانســتند از پشــت رايانه با کلیک کردن، موجب شلیک واقعی گلولههای پلاسستیکی ورنگی به او شسوند. بعداز شلیک هر گلولسه و برخورد با بدن او، جسدای از این که احساس دردمی کرد، تن او و همچنین خانهاش رنگیمی شدند.

ادامه در صفحه ۱۰





طرح نو – لیــــلا مهداد | گفت و گـــو دربار ه موضوعات مختلف اجتماعـــي، انحر باعث للاح امور نشود، حداقل ایس نفع را دارد كله موضّوعات از زواياًي مختلف بررسی می شوند و طرح آن در فضای جامعه و فضای رسانهای نیـز این امکان را به وجـود مـی آورد که کارشناسان به نقدموضوعات حباري در جامعه امروز بپردازندو تُوجه مسـنُولانُ را به آن جلُّ کنند. «اصغر مهاجری» جامعهشــناس و ستاد دانشگاه، در این مجال به گفتوگو دربــاره مشــار کت اجتماعــی و بررســی عوامل موثر بر آن نشســته و به خبرنگار ــهروند»از چندو چــون وضع موجود. گفته است. مشــروح پرســش و پاســخ خبرنــگار مــا با ایــن اســتاد دانشــگاه را

## برای ایجاد مشارکت عمومی در یک جامعه چەناندكرد؟

پ "" بسرای این کسه در جامعهای مشسار کتهای عمومی، توسعه پیدا کند، در وهلــه اول باید شراًيط آن فُراهم شود چون اگر بسترها و شرايط مهيا نشوند، خبري از توسعه نخواهد بود. اولين گام برای مشار کت این است که معنای واقعی

آن را مدنظے قرار بدھیے مشار کت واقعی که ں یک مشاہ کت احت ین نوع مشارکت را در یک جامعه توسعه یافته برسته یعنه م،این است که همه با هم دیشیم، همه با هم برنامهریزی و همه با هم

اجراکنیم. همه باهم منتفع شویم و با هم نظارت کنیم مشاركت واقعى كه واساس نظر صاحب نظران، یک مشارکت اجتماعی بک مشارکت واقعی باید ین فرآیندراطی کند پس است و درحقیقت ما این نوع مشارکت را در یک جامعه توسعه يافته مي توانيم شاهد باشيم، اين است كه همه با هم بیندیشیم، همه با اجتماعي و تُوسعُه أن اين هم برنامه ریزی و همه با هم اجرا کنیم مضاف بر این همه ست که ما تعریف صادق و راستيني از مشاركت داشت با هم منتفع شویم و با هم راسییی رمسار سی داسته باشیم. یعنی نباید به این صورت باشد که ما تعریفی کاذب از آن ارایه دهیم و عددای کاری را انجام نظارت كنيم

مے گیر د؛ نام دیگے ، وابط و هنده و عدمای دیگــر از زحمات آنها نفع ببرند. کته دوم این اســت که برای افزایش مشارکت اجتماعی،آیدازسرمایه اجتماعی بهرممند شویم؛ هرقدر سرمایه اجتماعی جامعه ای بیشتر باشد، مشاركت اجتماعي درآن توسعه يافته ترخواهد

بود اگر در حامعهای از سے مانه های احتماء بهُره لازُم بُرده نشـودُ، دیگر نمی توان برای آن وسعه مشاركت رامتصور شد. عناصر و اضلاع تشـــکیل دهنده مشارکت اجتماعی کدام است؟

ہے۔ مشارکتاجتماعی روابط ت، ضلع دیگر آن يوياس ر... شفافیت است و ضلع بعدی آن اعتماد لذا اگر شما شفاف باشيد؛ (شفاف در تعریف مشارکت و اسُــــــراُتَدى مشـــاركت) و استسر مرت اعتماد ایجاد شــود، یعنی . مردم در میسان خود به هم اعتماد داشــته باشنده هم . مردم نســبت به مسئولان اعتماد داشته باشند، ضلع . ســوم أن روابط پويا شكا

یویا همان مشار کت است. ب . مىگىرىم،ھرچەسرمايەاجتماعىغنىترباشد، مشار کتاجتماعی نیز توسعه یافته تر است. این بستر باید مهیا شــود. به عنوان مثال، اگر دولت درباره هدفمندی یارانهها کامیایی مدنظرش را

ے ۔۔۔ عه این شـــد که مردم قانع نش شـفافیت کمتری در طرح دولت دیدند، اگر در این زمینه از نظر صاحب نظران استفاده می ش یسد ر یب سوب دولت به مردم منعکس داده می شد و مردم خود را در تمام مراحل آن دخیل می دانستند و به این نتیجه -می دانستند و به این نتیجه می رسیدند که نفع آنها نیز در این طرح مدنظــر قرار گرفته، حتما مشار کُتُ و همدلیشان با دولُتُ تدبیر و امید

مهورجدهایی سود: مابایدجهتایجاد توسعهمشار کتاجتماعی، برابریهای اجتماعیی یا فرصتهای برابر اجتماعی را برای همه گروهها ایجاد کنیم، این اجتماعی را برزی همه درودها ایجاد دندیم این عبارت به این معنی است که مادر سطح جامعه هم عدالت جنسیتی، هم عدالت اجتماعی و هم عدالت قومی را داشته باشیم؛ این سومین بستر برای ایجادمشار کت عمومی است. اگر جامعهای در هریک از این عدالتها نقصان داشت به باشد در هریک از این عدالتها نقصان داشت به باشد ر ر.. یا فاقد این عدالتها باشد و بسترها، شرایط و فرصتهای برابری در زمینههایی که ذکر شد نباشد، مردم تمایل کمتری به مشارکت پیدا

ادامه در صفحه ۱۰

بــه عقیده من بــرای حــر فزدن از جامعه ب سیده سرح توانمند و آرام، نخست باید مشکلات اجتماعی راحل کنیم. نیافت به این دلیل بسود که این ۳ ضلعی از عابت

Tarheno@shahrvand-newspaper.ir : ارتباط با گروه طرح نو:

جامعه توانمند

. شمانمانرابب**ن** 

یکی از بزرگتریـن موانع توسـعهیافتگی نتماعی، تنگناهای اقتصادی است؛ به بیان

دیگر،افراددر جوامع درحال توسعه مثل ایران،

کار متمر کز کنند. طبیعی است که این افراد در شغلی کهانجام می دهند، خلاق نیستند. در کشورهای توسعه یافته، مردم به دلیل این که

درآمد یک شغل تخصصی بُرای گذران زندگی و هزینه های دیگرشان کافی است، خلاقیت به

فرج می دهند و از ایده ها و طرح و برنامه های نو برای رتقای شغلی و توسعه شغلی خوداستفاده می کنند. اگر این خلاقیت را در غالب کارمندان

و کار کنان دولتی کشــور خودمان بسنجیم. میبینیم که متاسفانه میزان حقوق و درآمد

فرادنسبت به هزینه های زندگی و تورم، کمتر ـت و آنها روز به روز فقیر تر شدهاند.

۲۰سال پیش کسی که کارمند بود، بهترین زندگیها را داشت و می توانست با در آمد شغلش برای تفریح و مسافرت خانوادهاش

هم برنامهریزی کند. آن زمان هیچ فشاری بر هم برمامه زیری نند، آن رمان هیچ هسازی بر زندگیها نبود و کمتر کسی سراغ شغل دوم می رفت، بنابرایس آرامش بر زندگیها حاکم بوده مردم اعصابی آرامتر و روحیهای شسادتر داشستند، اما امروز وضع چگونه است؟اکثر

مردان شغل دوم َ یا حتی سُـوم هم دارند و بازَ هم نمی توانند جوابگوی مخارج زندگیشان

باشند. جامعه شـهری امروز ما پر از آدمهای

بست. خسته وعصبی و کم حوصله است که خودشا همنمی فهمندروزهایشان چگونه می گذرد. به جرأت می توان گفت، در آمد کارمندان دولت در مقایسه با ســالهای نهچندان دور

چیزی حدود هزار برابر کمتر شده است. از اول ً انقلاب تا امروز ۳۰درصد تورم داشتیم و ۱۰ تا

١٢ در صد حقوق كار مندان را افزايش دادهايم. ۱۱ در صدحتوق دارمندان را افرایس داده یم. در دهه ۵۰ کارمندی که لیســانس داشــت، ماهی ۳هزار تومان حقــوق می گرفت، امروز کارمند دولت با لیســانس حداقل ۷۵۰هزار تومان حقوق می گیرد؛ یعنی ۲۵۰ برابر ســه

دهه پیـش؛ به نظر خیلی زیـادمی آید. حالا قیمت ارزان ترین کالای مصرفی را در این سه دهه مقایسه کنیم؛ بنزین ۵ ریالی شده

۷۰۰ تومان، یعنی قیمت این کالای مهم مصرفی ۱۴۰۰ برابر شده در حالی که حقوق

کار مند فقط ۲۵۰ بر ابر زیاد شده است. تمام ر هزینهها و قیمت اقلام مصرفی هم به همین ترتیباست یعنی افزایش حقوق کارمندان در

ر .... مقایسه بابالارفتن نرخ تورم خیلی کم و ناچیز است.معلمی که صبح تاظهر در مدرسه درس

می دهد، عصر تا شب باید در آزانس کار کند؛ ین معلم چگونه می تواند در حُرفه اصلیاش

فلاقیت داشته باشد. در هر حرفهای، دوشغله بودن آفراد ایجاد شده و تقریبا یک چیز عادی شده است. در حرفه خبرنگاران همهمین طور

ست، خبرنگاری که در کنار شغل ثابتش

می کند و فقط دنبال این است که یک چیزی آماده کند و تحویل دهد، آیامی تواند در کارش خلاقیت داشـــته باشــد؟ همه این مشکلات

به نبود زیرساختهای صحیــح اقتصادی و

نربیت کنیم. مادر جامعه خود روابط و قوانین وشته شده داریم ولی اجرای درست قانون را

داریم؛ چون شماری از تصمیم گیرندگان ما

ا تاهی و بینش اجتماعی کافی را ندارند. برای کسی مهم نیست که این حجم فارغ التحصیل

هرسال در جامعه چه باید انجام دهند. جوار

یا افســرده میشــود. ولی چه کسی اهمیت میدهد؟متاسفانه درجامعه امروز مامعضلات

ومشكلات بسييار زيادي وجود دارد كه همه

ر کرد. میدانند و می بیننداما کسی به روی خودش نمی آورد.انگارهمه عادت کردهایم چشمانمان

، از است. و نامتــوازن بودنها برمی گــردد؛ و گرنه هیچ

ُدمى، روَانَى بهدنيا نمَى آيــد؛ هيچ َ آدمَى درَد و قاتل بهدنيا نمى آيد؛ شرايط جامعه است كه

فراد را بەسمت ضدھنجارھا مى كشاند. پس

ر ر ، ، ، . برنامه ریزی ها و زیر ساخت ها باید باز تعریف شود. تصمیم گیرندگان باید به فکر کارمندی

سود، تشغیم میرند تان پاید، بعاضر تارمندی باشند که حقوقش هر سسال ۵۰ هزار تومان زیاده می شود ولی قیمت همهچیز ۲۰-۳۰ تومان افزایش مییابد. افزایش حقوقها باید براساس تورم باشد تا کارمند، معلم و پزشک جامعه بتوانند با خاطر آسسوده روی کارشان

نمركز كنندو خلاقيت وايدهپردازى داشسته

دیں۔ همه اشکالات سه پر نامه، بزی ها

اجتماعي رمي گردد. ہمہ حوز مہا به هم مر تبط هستند؛ تا وقتی که معلم خوب در جامعه نداشته باشیم، نمی توانیم استاد دانشگاه خـوب و خلاق

دماد

برای گذران زُندگی مجُبورند، دو یا چند ناُشته باشـــنُد. پس نمی توانند تمام انرژی و نوانمندیهای فکری خــود را برای انجام یک

4

## چه عواملی باعث فقدان مشارکت مردم در ، اموراجتماعیمیشود؟